

أَقْرَبِينَ سَفِينِ الْهَيْمَى
وَكَلِمَتِ حَمْدِ سَائِي أَوْ

أَنْتِ شَارَات
هَيْمَتِ أَهْلِ الْبَيْتِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ - قَرَوِينَ

اِحْزَانِ سَفِيرِ الْفُجَى وَكَلِمَاتِ جَهْرِكَا نِيَاو

تأليف:

سید فاضل خیرآبی - سید محمد جواد هاشمی نسب

از انتشارات:

هَيْئَةُ أَهْلِ الْبَيْتِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ

مقدمه ناشر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدٍ
 آلِهِ الطَّاهِرِينَ الْمُعْصومِينَ سَيِّمًا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي الْأَرْضِينَ
 الْحُجَّةِ بْنِ الْحَسَنِ الْعَسْكَرِيِّ عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ
 وَلَعَنَهُ اللَّهُ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ مِنَ الْآنَ إِلَى يَوْمِ
 الدِّينِ .

جهان امروز دنبال مکتبی است که بتواند تمام مشکلا^ت
 و معضلات را حل کند و به همه چراها پاسخ صحیح بدهد،
 بشرخسته از ادعاهای دروغین و ایسمهای فریبنده در -
 سرگردانی و بهت و سردرگمی عجیبی فرورفته است ،
 جوانان هر روز بسمتی، گروهی، حزبی سازمانی و . . . روی
 آورده سعی میکنند تشنگی فکر خود را با آن فروشانند و
 اضطراب درونی خود را تسکین دهند ولی بهر از چند ی در
 می یابند که اینها سرابی بیش نیست و بلکه بر حیرت و -

واز درگاه حضرت ولی عصر امام زمان عجل الله فرجهما جزانه
 تقاضا داریم که این قدم بسیار کوچکتر از مایه پذیرفته و ما را -
 بیش از پیش مورد الطاف و عناایت خود قرار دهند (تا چه قبول
 افتد و چه در نظر آید)

هیئت اهل البیت (ع) - قزوین

۳ / ۸ / ۴۰۱ هـ

۱۶ / ۳ / ۶۰ ش

مَرده ای دل که مسیحا نفسی می آید
که زانفاس خوشش بوی کسی می آید
از غم هجر مکن ناله و فریاد که دوش،
زده ام فانی و فریاد رسی می آید

هم شرط کراویند

!

السَّلَامُ عَلَى الْمَهْدِ يَا لَذِي وَعَدَّ اللَّهُ بِهَا أُمَّمَ أَنْ يَجْمَعَ بِهِ الْكَلِمَ
 وَيَلْمُ بِهِ الشُّعَثَ وَيَمْلَأُ بِهَا الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدَّ لَا وَيُنْجِزُهُ وَعَدَّ
 الْمُؤْمِنِينَ .

در عصری که ما در آن زندگی میکنیم دنیا وضعی بسیار آشفته
 بخود گرفته است زمانی است که دنیا بدست چند قدرتمند
 اداره میشود و مردم جهان به دو دسته بزرگ تقسیم شده اند
 گروهی اقلیت بنام ظالم و گروهی که اکثریت مردم جهان را تشکیل
 میدهند مظلوم، و بین این دو گروه فقط یک رابطه وجود دارد و
 آن بهره کشی و استعمار قوی و ظالم از ضعیف مظلوم میباشد البته
 ظلم و ستم و بهره کشی انسان از انسان تقریباً از اول بوجود آمدن
 بشر وجود داشته و هر روز به ابعاد و اشکال مختلفی بروز میکند
 امروزه بشر از لحاظ علم و صنعت به پیشرفتهای شگرفی رسید،
 ولی بمصداق (تیغ دادن به کف زنگی مست) ظالمان با
 استفاده از وسائل پیشرفته به ظلم ابعاد و فاجعه انگیزها
 نکردند و داده اند مانند جنايت فجيعی که آمریکا آنها در جنگ
 جهانی دوم انجام دادند که با انداختن یک بمب اتمی در شهر

را با خاک یکسان کرده و بیش از صد هزار نفر از آنها لو آن
 جارا ^{گشته} و قابل توجهی راز خمی کردند که اثرات شیمیائی آن
 هنوز هم وجود دارد تمام این جنایت در مدت کمی کمتر از یک ربع —
 ساعت فقط با فشار دادن کلید پرتاب بمب هواپیما صورت —
 گرفت حالا این سؤال برای ما پیش می آید که آیا بشر با ظلم موافق
 است یا نه ؟

حقیقتاً این است که فطرت بشر از ظلم متنفر است و این تنفر
 چون فطری است اختصاصاً صبه گروه یا ملتی و یا منطقه ای خاص —
 ندارد بلکه تمام اینها بشر از هر نژاد و هر ملتی از کوچک و بزرگ
 همه فطرتاً طوری خلق شده اند که با ظلم و ستم مخالفند حتی
 آنهایی هم که ظلم میکنند در نهاد خود با ظلم موافق نیستند
 ولی چون بقای دولت و حکمرانی خود را وابسته به ظلم و ستم
 میدانند از آن دریغ نمی ورزند .

با توجه به ظلمی که از اول تاریخ بر انسان از طرف ستمگرا^ن
 رفته و فطرت عدل طلب بشر که مخالف هرگونه ظلمی است —
 از زمانهای بسیار دور به ظهور و آمدن يك قدرت الهی که

مافوق همه قدرتهاست در زمین ایمان داشته و همیشه —
 انتظار آنها میکشیده است بخصوص در عصر حاضر که مردم —
 جهان از همه مکاتب بشری سرخورده اند چه اینکه همه
 آنها را آزمایش کرده و به بن بست رسیده اند از سرمایه
 داری آزاد گرفته تا کمونیزم با آن سروصدای زیادی که در
 حمایت از کارگران و مردم بیچاره بلند کرد .
 همگی منتظر و چشم براه يك مصلح هستند و این عقیده
 را بشر اگر دوراه بدست آورده: بیکی از راه دینهای الهی
 و یکی هم از طریق نقل قول از نیاگان خود به ارشوده —
 اند هر کس با زبان خاص خود او را میخواند و هر ملتی با لفظ
 و لغتی اما اگر این لغات و الفاظ مختلف را که مانند پرده‌ها^ی
 روی خواسته‌های بشر را پوشانده اند کنار بزنیم متوجه می
 شویم که همه يك چیز را میخوانند و فقط الفاظ و لغات —
 است که بین خواسته‌های آنها جدائی انداخته :

عِبَارًا تَنَا شَتَّى وَحَسَنًا وَاحِدًا

وَكُلٌّ إِلَىٰ ذَٰلِكَ الْجَمَالِ يُشِيرُ

مردم ساکن شرق دور او را به اسم بودا میخوانند و -
 انتظارش را میکشند تا بیاید و جهان را از این اختلافات
 نجات دهد مهدی را میخوانند ولی به اسم بودا ملت -
 یهود او را به اسم (عزیر، موسی یا هارون) میخوانند و
 عقیده دارند که در تاریخترین دوران تاریخ بدنیاز -
 خواهد گذشت بآری آنها مهدی را میطلبند ولی به اسم -
 هارون عزیر مهدی موعود و وارث خداداد و آزاد کننده بشر
 از قید بدبختی هاست بدبختی هائی که گریبان او را -
 گرفته و هر لحظه تنگ تر میشود بدبختی هائی که هر چه
 زمان میگذرد انعام را بیشتر به سرایشیبی سقوط سوق می
 دهد .

بشر امروز با تمام پیشرفتهای شگرفی که در رشته های مختلف
 علم و صنعت بدست آورده با وجود این همه ترقی به جز خو
 اعتراف کرده و انتظار کسی را میکشند که بیاید و با سرهنجه -
 تدبیر و قدرت گره کور مشکلات او را باز کرده و آنها را از سر
 راه بردارد ملت اسلام به پیروی از رهبران بزرگ خود او

را بهیروی از رهبران بزرگ خود مهدی خوانده و انتظارش را
 میکشد که برده غیبت ازخ بردارد و دین حق و حدود الهی
 را که مدتها مدیدی است بحال فریت و انزوا افتاد مجانی تازه -
 بخشد و آنها را دوباره بجریان اندازد بیاید و با آمدنش -
 شب بلفند سیاهها و تباهیها را بصبح امهد و خوشبختی بد
 سازد بیاید تا بادم مسیحائی خود روحهای مرده آدمیان
 رازنده گرداند .

خبر این آینده درخشان با الحان گوناگون از کلام خدا (قرآن)
 و حضرت ختمی مرتبت و ائمه اطهار سلام الله علیهم
 اجمعین بما رسیده که به بعضی از آنها اشاره میکنم :
 اسْعِدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَهَمَلُوا الصَّالِحَاتِ
 لِيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ (۱)

یعنی خداوند وعده داده است بکسانی که از شما ایمان آورده
 و عمل صالح انجام داده اند که آنها را در زمین خلیفه (خویش)

گردانند .

۲۲ ولقد كتبنا في الزبور من بعد الذکر ان الارض يرثها

عبادی الصالحون . (۲)

یعنی وما بعد از جور است در زبور داود نوشتیم (و در کتب -

انبیاء سلف بوده دادیم) که البته بندگان نیکوکار من ملک

زمین را وارث و متصرف خواهند شد .

۳- در صحیح ابوداود از رسول اکرم صلی الله علیه وآله

وسلم نقل است که فرمود " اگر از عمر دنیا یکروز بشترباقی -

نمانده باشد خدا آنروز را بقدری طولانی میکند تا مردی از

خاندان من بمعوشگردد و در عالم تسلط یابد .

۴- در کتاب اسعاف الراقبین از رسول خدا نقل است که

گفت " مرد، باد شما را به مهدی "

در کتاب نورالابصار از حضرت رسول نقل است که فرمود

من شما را بمهدی بشارت میدهم .

آنحضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام نقل است
 که فرمود دنیا بعد از عناد و دشمنی خود بجانب ما باز
 میگردد مانند شترید خوی و گزنده که بسوی بچه خود برمی
 گردد و سپس حضرت این آیه را تلاوت نمود . (و نریسند
 ان نمن علی الذین استضعفونی الارض و نجعلهم ائمه
 نجعلهم الوارثین) (۱) . ابن ابی الحدید در
 شرح نهج البلاغه در ذیل گفتار فوق میگوید علما اهل تسنن
 این میگویند این آیه اشاره ای است به امامی که قیام کرده
 مالک زمین و مسلط بر آن میگردد .

منسویین و مدعیان مهدویت

۲

اخباری که راجع به قیام و ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه
 بر سر زبانها بود گروهی را بر آن داشت که خود را مهدی
 خوانده و ادعای مهدویت کنند بولی همگی با نفاحت
 رو برو شدند هر چند که افرادی را گول زده و به دور خود
 جمع کردند در این میان گروهی بودند که ادعای مهدویت
 نکردند بلکه بواسطه قیامهائی که بر علیه حکومت های
 وقت کردند مردم آنها را مهدی پنداشتند و ما در این
 جا بطور مختصر به شرح حالات هر گروه میپردازیم .

۱- منسوبین به مهدویت :

۱- محمد بن علی بن ابیطالب پسر خوله حنفیه که
 معروف به محمد بن حنفیه است ، در نظر گروهی که به
 کیسانیه مشهورند امام چهارم و مهدی موعود میباشد .
 ۲- زید بن علی بن الحسین بعد از برادرش امام
 پنجم بهترین فرزندان پدرش بود وی آنقدر در مسجد
 رسول خدا نماز خواند که به ستون مسجد معروف شد ،

در دوران هشام بن عبدالملک قیام کرد و شهید شد و
گروهی که به زیدیه شهرت دارند او را به عنوان امام پنجم
ومهدی موعود پذیرفته‌اند.

۳- منذر بن جارود عبدی از سادات بنی عبدالقیس
و از اشراف بصره بود گروهی او را به عنوان امام ومهدی -
موعود پذیرفته و به جارودیه معروفند.

۴- محمد بن قاسم بن همام بن علی بن الحسین

• مابو مسلم خراسانی •

۶- اسماعیل بن عبدالله بن جعفر •

۷- موسی بن جعفر علیه السلام و لازم به

تذکر است که این افراد بهیچوجه ادعای مهدویت،

نگردند بلکه افراد دیگری از روی جهل و یا فرض آنها را

مهدی نامیدند.

ب- مدعیان مهدویت:

بده زیادی در زمانها و مکانهای مختلف ادعای مهدویت

کردند که عبارتند از

۱- سید علی محمد شیرازی که اول دعوی بایبیت کرد ولی بعد قدمی جلو تر گذاشته و ادعای مهدویت نمود و مطالب جدیدی را بعنوان دین تازه اعلام کرد که شامل اصول و فروعی میباشد، ادعای مهدویت او باعث شلوفی و در بعضی جاهاى ایران زد و خورد های خونینی شد این شلوفی ها ادامه داشت تا اینکه حکم اعدام او از سوی - مراجع وقت صادر و اجرا گردید و بدین ترتیب به فائله -
خانه داده شد .

۲- خالد بن یزید بن معاویه که مردی دانشمند و شاعر

بود .

۳- عبدالرحمن بن اشعث در جنگی که با درسا ل -

هشتاد و سوم هجرت با حجاج کرد کشته شد .

۴- سحارث بن سریح که بدست حکومت وقت کشته شد .

۵- اسحاق ترك که بعد از قتل ابومسلم خراسانی ادها

مهدویت کرد .

۶- توپری که در آغاز قرن هشتم هجرت در عصر سلطان یوسف بن یعقوب ادعای مهدویت کرد و مردم زیادی به او گرایش پیدا کردند ولی ناگهان به طرز مرموزی به قتل رسید (تروژشد)

۷- محمد بن عبدالله مهدی که در سودان ادعای مهدویت کرد و با انگلیسیها جنگید و سرانجام کشته شد و سرش را به موزه لندن بردند.

۸- محمد بن عمر که در شمال افریقا ادعای مهدویت کرد و عاقبت کشته شد و ... عدهای دیگر که بخاطر رعایت اختصار از ذکر آنها صرفنظر میکنیم.

میکلا دقام موعود
عج

۲

مهدی مرفود

پدرش امام حسن عسکری علیه السلام یازدهمین پیشوای شیعیان و مادرش ملیکه دختر پیشوا فرزند قیصر روم است که مشهور به نرجس خاتون میباشد در باره چگونگی این وصلت (مبارک) وصلت امام حسن عسکری با نرجس خاتون علمای ما در کتابهای خود اخباری روایت کرده اند که ما بخاطر رعایت اختصار از آن میگذریم (در مال دو بیست و پنج و پنج هجرت بدنیآ آمد) ولی بعضی پنججاه و ششده ای هم پنججاه و هشت گفته اند (تولد آنحضرت مانند مثنی بود که به دهان پاوه گویان و معاندین خاندان رسالت کوبیده شد چه آنها میگفتند که یازدهمین امام شیعیان مردی عقیم است .

جریان تولد حضرت مهدی عجل الله فرجه خالی از معجزه نیست همچون سایر شئون زندگی آنحضرت البته معجزه نسبت به امام زمان تعجبی ندارد زیرا که او حجت خداوند است و نیروهای غیبی او را کمک میکنند و

به واسطه معجزه حقایق برای انسانها آشکار و روشن می
گردد تا نبیائ و ائمه علیهم السلام نبوت و امامت و هدایت خود را
از راه اعجاز برای افراد بشر بیان فرموده اند که قرآن مجید
معجزات زیادی از پیغمبران یاد میکند .

چگونگی تولد آنحضرت از قول حکیمه دختر امام نهم که
که عمه امام حسن عسکری میشود چنین نوشته اند

که تا هنگام زایمان در مادرش نرجس خاتون آثار حمل و
بارداری وجود نداشت حتی شبی که شب دنیا آمدن آن
حضرت بود . صبح روز چهاردهم شعبان به خانه برادر
زاده ام رفتم و هنگام فروبکه میخواستم خانه آنها را ترک
کنم برادر زاده ام بمن فرمود عمه امشب را مهمان ما باش
زیرا در امشب مولودی که موعود است بدنیا خواهد آمد
مولودی که خداوند بوسیله او زنده میگردد زمین را به
علم ایمان و هدایت بعد از آنکه مرده باشد به شیوع کفر
و ضلالت . (لایلا الارض قسطا و هد لا کما ملئت ظلما و جورا)
حیرت کردم چون هیچگونه آثار حمل در نرجس خاتون ندیدم

ولی چون برادرزاده‌ام را امام میدانستم حرفش را قبول کردم و آنشب را آنجا ماندم تا آنشبشبنیه شعبان بود بعد از آنکه مقداری از شب را به نماز و دعا مشغول بودیم (به همراه نرجس خاتون) به بستر رفتیم نیمه شب بلند شدیم و نماز شب را بجای آوردیم سیدیه صبح از گریبان افق دیدن گرفت کم کم نسبت به سخن برادرزاده‌ام در دل شکی پیدا کردم که ناگاه امام حسن عسکری از اطاق خود بمن فرمود: که عمه شك نکن وقت ولادت نزدیک شده که ناگهان آثار حمل را در نرجس مشاهده کردم بدستور حضرت سوره اِنَّا أَنْزَلْنَاهُ رَا بِرَاوْخَاوْنَدِمِ وَشَنَيْدِمِ كِهْ آن طفل در شکم مادریا من در خواندن قرآن همراهی میکرد در این بین ناگاه نرجس خاتون از دیدگان من غائب شد ناراحت شدم و به سوی امام دویدم ولی امام گفت عمه برگرد او را در جای خود خواهی دید و چون برگشتم نرجس خاتون را دیدم که حضرت مهدی عجل الله فرجه را در بغل دارد پس امام حسن مرا صدا کرد و

فرمود عمه فرزند مرا بیاور چون او را گرفتم ختنه کرده ، ناف
بریده و پا کتوپا کیزه یافتم و پریازوی راستش نوشته بود (جا
الحق و رهن الباطل ان الباطل کان زهوقا) (۱) •
آنجناب را به نزد پدرش مردم سلام کرد و حضرت هم او را
گرفت و شروع به نوازش کرد • پس حضرت به او گفت ای فرزند
سخن بگو ، آنحضرت شروع به خواندن قرآن کرد ، که در
همین حال مرغان بسیاری نزدیک حضرت جمع شدند ،
مقرر بود که حضرت از دیده بیگانگان پنهان باشد همان
طور که در دوران قبل از تولد مانند حضرت موسی پنهان
بود به همین جهت حضرت عسکری مهدی علیهم السلام
را به یکی از مرغان داد و فرمود او را ببر و نیکو نگه دار
و هر چهل روز یک بار نزد ما بیاور ، حکیمه می گوید چون
چهل روز گذشت پخانه برادرزاده ام رفت و چون وارد
شدم طفل دوساله ای را دیدم گفتم این کیست؟ حضرت

فرمود اولاد پیغمبران و اوصیای امامان هرگاه امام باشند به
 خلاف اطفال دیگر رشد و نما میکنند يك ماهه شان مانند
 يك ساله دیگران است حکیمه میگوید هرچهل روز يك
 مرتبه به خدمت او میرسیدم تا آنکه چند روز قبل از وفات
 حضرت عسکری علیه السلام او را ملاقات کردم به صورت
 مردی کامل و شناختم به امام یازدهم عرض کردم: این مرد
 کیستکه می گوئی نزدش بنشینم ؟

فرمود: این فرزند و خلیفه من است باید سخن او را ،

قبول کنی و از او اطاعت نمائی .

خورشید پرده

۳

غیبت صغری و نواب اربعه

برای حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه دوفیبت بوده یکی از هنگام ولادت حضرت تا سال سیصد و بیست و نه هجرت که غیبت صغری نام دارد و تقریباً هفتاد و چهار سال میشود، و دیگری غیبت کبری که تا زمان ما هنوز ادامه دارد و از درگاه خداوند میخواهیم که هرچه زودتر آن را به پایان رساند.

غیبت کبری به این علت میگویند که مطهر نیست تا چه موقع وجه سالی به طول می انجامد، البته تا به حال عمر این غیبت به هزار و هفتاد و دو سال رسیده است.

درست است که در مدت غیبت صغری حضرت از دیدگان مردم غائب بود و همگان موفق به دیدار جمالش نمی شدند، لکن در این مدت حضرت نمایندگان خاصه را تعیین کرده، آنها واسطه بین مردم و آنحضرت بودند آنها از مردم نامه ها و امانات و مطالب را می گرفتند و به حضرت میرسیدند و بعداً جواب آن را دریافت داشته و به

صاحبانشان باز میگرددانند این نواب چهار نفر بودند
(نمایندگان خاص) که به نواب اربعه مشهورند و -

مبارتنداز

۱- ابو عمرو عثمان بن سعید * اصولا وکیل و نماینده
داشتن چیز تازه ای نبود چون ائمه دیگر نیز بخاطر -
برقراری ارتباط با مردم و کلا و نمایندگان داشتند این
ابو عمرو در عهد امام حسن عسکری علیه السلام هم سمت
وکالت ایشان را داشت بوظیفه این مرد عرض حوائج و -
مسائل مردم به حضور امام بود و شغلش روشن فروشی بود
به همین جهت وی را همان هم گفته اند *

۲- ابو جعفر محمد بن عثمان پسر ابو عمرو بن سعید

بود مدت پنجاه سال وکیل امام زمان بود *

۳- ابو القاسم حسین بن روح نوبختی محمد بن -

عثمان هنگام وفات به امر امام او را به عنوان جانشین و

وکیل بعد از خود معرفی نمود وی مردی دانشمند و آگاه

بود *

۴- ابوالحسن علی بن محمد آخرین وکیل انگلستان
 آمده می باشد به امر حضرت و بنا به وصیت حسین بن
 روح تعیین شد حضرت چند روز مانده به مرگ ابوالحسن
 علی بن محمد توقیمی (ندهای) برای او فرستاد و
 آغاز فیهت کبری را اعلام فرمود . در این توقیح آمده " تو
 پس از شش روز خواهی مرد و کسی را بعد از خودت -
 جانشین تعیین مکن زیرا فیهت تا به فرارسیده "

چرا غیبت؟

۵
۱

بطور کلی علت اصلی غیبت برای ما مکشوف نیست و پس از ظهور روشن خواهد گشت چنانکه در کتاب کمال الدین از عبدالله بن فضل هاشمی روایت است که گفت:

« شنیدم حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود البته برای صاحب این امر غیبتی است که چاره ای از آن نیست در آن هر باطل جو به ریب و شک می افتد .

عرض کردم چرا ؟ فدایت شوم .

فرمود برای امری که بما اذن در فاش کردن آن داده نشده است .

گفتم پس وجه حکمت در غیبت او چیست ؟

فرمود وجه حکمتی که در غیبتهای حجتیهای خدا پیش از آنحضرت بود .

بدرستیکه وجه حکمت غیبت کشف نمیشود مگر بعد از

ظهور او چنانچه وجه حکمت کارهای خضر از سوراخ

کردن کشتی، و کشتن غلام و سپاه داشتن دیوار از برای —

موسی کشف نشد مگر در هنگام مفارقت آنها از یکدیگر .
 ای پسر فضل این غیبت امری است از امر خدای تعالی
 و سری از اسرار خدا و غیبی است از علم غیبه خدا . و پس از
 آنکه ما دانستیم خدا حکیم استگواهی داده ایم به این
 که کارها و گفتارهای او همه موافق حکمت است هر چند که
 وجه آن بر ما روشن نشده باشد (۱) .
 ولی چند حکمت را بزرگان برشمرده اند که ما نیز به آنها
 اشاره میکنیم .

۱- ترس از گشته شدن شکی نیست که حکومت‌های -
 طاغوتی بخصوص رژیم بنی العباس روایات و وجود حضرت -
 مهدی را یک خطر جدی برای خود تلقی میکردند چنانکه
 فرعونیان موسی را خطر بزرگی برای خود میدانستند و همین
 دلیل هم میلاد امام زمان مخفیانه صورت گرفت چنانچه تولد ،
 حضرت موسی ، و اینکه ظاهر نمیشود که یا شهید گردد یا

(۱) نقل از کتاب نوید امن و امان صفحه ۱۶۷

بمروز دلیلش این است که چون هدف حضرت مهدی
آنستکه حکومت جهانی اسلام را برپا سازد و هدف نهائی
انبیا را بطور مطلق تحقق بخشد، لذا با احتمال کشته شدن
صحیح نیستکه ظاهر گردد.

۲- امتحان بندگان خدا یکی از سنن الهی که
همواره برقرار بوده و خواهد بود امتحان و آزمایشمنده -
گان است تا افراد صالح از غیر صالح جدا شده و کمالات
و استعداداتهایشان آشکار شود تا موجب ثواب و
عقاب فراهم گردد و از جمله شدیدترین و مهمترین امتحان
های الهی غیبت امام زمان است زیرا که (وقتی غیبت
طولانی میشود بیشتر مردم در شك و تردید می افتند و
برخی در اصل ولادت یا بقای حضرتش تردید میکنند و
جز اشخاص مخلص و با معرفت و آزموده کسی برایمان
و عقیده به امامت آن حضرت باقی نخواهد ماند) -
ایمان به غیبت عالیتترین مراتب ایمان است که هرکسی به
آن نمی رسد بلکه چه بسیار افرادی یا گروههایی که

حتی کلمه غیب را تفسیرهای مادی کرده و خودشان را
گول میزنند و حقائق را انکار مینمایند .

و نیز " فتنه ها ، گروهها ، احزاب و ادعاهای مختلف و
مشتبه شدن حق بباطل از کتابهای ضلال و نشریات -
مشتبه و زیور و شدن افراد و ذلت و خواری اهل ایمان
و عزت و رونق بازار اهل باطل و نفاق و . . . ایمانی
محکم لازم دارد که هرکسی به آن نمیرسد و در امتحان
قبول نمیشود .

از حضرت صادق علیه السلام روایت است که فرمود این
امر شما را نخواهد آمد مگر پس از ناامیدی ، نه بخدا
نمی آید شما را تا شما (مشومن و منافق) از هم جدا
شوید ، نه بخدا نخواهد آمد شما را تا شقی شود هر
کس شقی میگردد و سعید گردد هرکس سعید میگردد (۱)

۳ - آمادگی جهان برای حکومت اسلامی البته قسمتی

از شرایط انقلاب بقیام امام عصر عجل الله فرجه خدائی
 و آسمانی است ولی بطور کلی آمادگی و مهیا شدن شرایط
 و زمینه ها برای حکومت جهانی آنحضرت ضروری است
 همانگونه که در نهضت‌های پیامبران نیز این سنترها
 شده و شرایط و زمینه‌ها و محیط‌های مناسب دقیقاً بحساب
 آمده همینطور در این انقلاب که کاملترین و آخرین این
 انقلابهاست باید موقعیت‌های خارجی و بید پرند، ای که
 فضای عمومی را برای درك و بید پرش انقلاب جهانی آماده
 می‌سازد در نظر آید .

سویڈین

۶

وظایف ما در عصر غیبت:

آیا کسی میتواند بگوید که در عصر غیبت تکلیف از ماساقت
استو باید صبر کنیم تا حضرت ولی عصرت عجل الله فرجه
ظهور کند؟

نه چنین ادعائی باطل است زیرا که اولاً از بعضی از -
حکمت‌های غیبت در می‌یابیم که مسئولیت و وظیفه ما در قبال
آن انقلاب جهانی سنگین است ما باید کمک کنیم تا زمینه
جهانی شدن حکومت اسلام فراهم گردد و تمام مردم
مهبای پذیرش انقلاب آن یگانه مصلح واقعی گردند •
ثانیاً دلایل دیگری در دست است که تأکید میکند که
مسلمین باید مسئولیت‌های دینی خود را در زمان غیبت
کاملاً انجام دهند و بعضی از وظایف انتظار ظهور -
تقلید از مجتهد جامع شرایط و ... مخصوص این
عصر میباشد اکنون باختصار قسمتی از وظایف را بر می
شماریم •

۱- انتظار وضع غیبت و ندیدن امام معصوم خود

از بزرگترین مصیبتها و گرفتارهاست و هر چه این غیبت طولانی تر شود تحقق آن انقلاب جهانی که همه عوامل خوشبختی و سعادت همگان را در بردارد تاخیر خواهد افتاد بنا بر این انتظار ظهور از واجبات و فرائض مهم ما است از همین روی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

افضل اعمال امتی انتظار الفرج " باید افزود که انتظار فقط با زبان نیست بلکه کسیکه در انتظار صالح به سر میبرد باید خود صالح باشد که خداوند در قرآن فرمود:

ان الاضیاء یبغون العباد الصالحون " افراد محترک و ربا خوار، تهمت زن ها، والدین، دروغگو، ستمگر و امثال... اینها بهیچوجه نمیتوانند خودشان را منتظر بنامند.

۲- تقلید از مجتهد جامع شرایط از جمله اصول مسلم عقلی اینست که در هر فنی باید به متخصص و خیره آن فن مراجعه شود با این وصف اخیرا با کمال تعجب افرادی را میبینیم که لزوم تخصص را انکار کرده و خواستار تعمیم اجتهاد میشوند و استعمار خوب راهی

را انتخاب کرده در طول قرن‌ها حرکت مراجع تقلید همیشه با عنایات مخصوص حضرت ولی عصر همراه بود و چون مردم ملاکهای هر جمعیت را درست داشته‌اند استعمارگران نتوانسته‌اند در آن تأثیری بگذارند .

آدم‌ها کردن برای تعجیل فوج آنحضرت چنانچه در روایات متعددی آمده که امامان معصوم علیهم السلام برای تعجیل فوج دعا کرده و به پیروان خود هم در این مورد سفارش نموده‌اند بر ما لازم است که هر صبح و شام و بعد از نمازها و در مظان استجابات دعا همیشه از خداوند بخواهیم که هر چه زودتر ظهور حضرتش را برساند و چشمان ما را به دیدار جمال دل آرایش منور گرداند .

۴- نمکین بودن بجهت مفارقت آنجناب و مظلومیت آنحضرت؛ در کافی از حضرت صادق علیه السلام نقل است که فرمود کسیکه مهمم باشد برای ما و فنناک باشد به جهت مظلومیت ما نفس کشیدن او ثواب تسبیح دارد

۵- گریه کردن در دوری آنحضرت و به جهت مصیبت آنجناب که از حضرت رضا علیه السلام روایت است که هر مومنی یاد کند مصیبت ما را یعنی مصیبت هر يك از پیغمبر و ائمه علیهم السلام را پس گریه کند یا بگریاند - کسی را بجهت ظلمی که بر ما شده با ما میباشد در - درجه ما در روز قیامت .

۶- آنکه تسلیم و انقیاد داشته باشد برای امر اما موافقه نکند یعنی چون و چرا در امر ظهور آنجناب نکند و آنچه از جانب آنحضرت میرسد صحیح و مطابق حکمت بداند .

۷- صدقه دادن بقصد سلامت و رجوع آنحضرت و دفع

بلائی فیهت .

کسایکے اما از زمان رادیدہ اند

۷

کسانی که امام زمان را در فیت صغری دیده‌اند

بعضی از کسانی که حضرت مهدی علیه السلام را در فیت صغری ملاقات کرده‌اند عبارتند از
 اسحکیه بنت محمد بن علی علیه السلام که چه در شب تولد حضرت و چه در مواقع دیگر حضرت را بکرات دیده چنانکه در بخشهای سابق گذشت .

۲- اسماعیل بن علی که حضرت امام حسن عسکری علیه السلام را در هنگام بیماری عیادت کرده و در همان موقع امام زمان علیه السلام را هم دیده

۳- از ابراهیم بن محمد علوی نقل است که نسیم خادم امام حسن عسکری علیه السلام گفت، یک شب بعد از ولادت صاحب الامر نزد وی رفتم و ناگهان عطسه ام گرفت فرمود: **يَرْحَمُكَ اللهُ** من از حرف زدن آن نوزاد

نازنین خوشحال شدم .

نمود: در باره عطسه مزدهای به تو ندهم ؟

عرض کردم بفرمائید .

گفت عطسه تا سه روز آدمی را از مردن حفظ میکند •

۴- ابو بصیر خادم که امام عصر عجل الله تعالی

فرجه در گهواره با او سخن گفت •

۵- احمد بن اسحاق نماینده و وکیل عالیقدر امام

حسن عسکری که قبرش در سر بهل ذهاب زیارتگاه مردم

است •

و عده ای دیگر که از ذکر نام آنها به علت رعایت -

اختصار خود داری میکنیم •

اشخاصی که در فیهت کبری حضرت مهدی

را ملاقات کرده‌اند .

در این مورد مطالب زیادی در کتابهای شمه موجود —
 میباشد که ما بجهت رعایت اختصار به ذکر دو نمونه —
 اکتفا میکنیم .

۱- از ملا زین العابدین سلامی نقل است که
 روزی جناب بحر العلم وارد حرم حضرت امیر شد و این
 بیت را زیر لب زمزمه میکرد . (چه خوش است صوت —
 قرآن ز تو دل‌را شنیدن) من از او سبب خواندن
 این بیت را پرسیدم گفت چون وارد حرم حضرت امیر
 شدم دیدم حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف
 در بالای سر حضرت امیر به آواز بلند قرآن میخواند
 چون صدای آن بزرگوار را شنیدم این بیت را خواندم
 و چون وارد شدم قرائت خود را ترك نموده از حرم به
 بیرون رفتم .

۲- از مه‌رزا محمد استرآبادی نقل است که گفت ،

بی در حوالی بیت الله الحرام مشغول طواف بودم
 ماه جوانی خوش سیما را دیدم که مشغول طواف،
 مت چون نزدیک من رسید يك شاخه گل سرخ به من
 داد، آنوقت موسم گل نبود من آن گل را گرفتم و به
 دگفتم ای سید من این (گل) از کجاست ؟
 بود از خرابات برای من آورده اند، آنگاه از نظرم —
 لب شد .

شبى در حوالى بيت الله الحرام مشغول طواف بودم
 ناگاه جوانى خوش سيما را ديدم كه مشغول طواف
 است چون نزديك من رسيد يك شاخه گل سرخ به من
 داد ، و آنوقت موسم گل نبود من آن گل را گرفتم و به
 وى گفتم اى سيد من اين (گل) از كجاست ؟
 فرمود از خرابات براى من آورده اند ، نگاه از نظرم —
 فائب شد .

نشانه‌های منظور

۱

علائم ظهور مهدی عجل الله فرجه

در کتابهایی که دانشمندان شیعه درباره وجود مقدس امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نوشته اند فصلی را هم به این مطلب اختصاص داده اند از —
 فرمایشات حضرت ختمی مرتبت و آئمه طاهرين سلام الله عليهم اجمعين روايات زيادي نقل کرده اند که بمنظور رعایت اختصار به بعضی از آنها اشاره کرده میگردیم :

۱- در کتاب جامع الأخبار از رسول خدا روایت کرده اند که فرمود: زمانی فرا میرسد که مردم خدایشان شکم هایشان باشد، و قبله آنها زنهایشان، دینارهای آنها دینشان و شرف آنها متاعشان، از ایمان بجز اسم چیزی باقی نماند و از اسلام تنها اسمی و از قرآن نماند مگر درسش را، مسجد های آنها آباد و زیبا ولی قلب هایشان خراب است، آنها بدترین خلق خدا هستند در روی زمین پس خداوند هم آنها را به سه بلاد چار میکند: جور سلطان — قحطی زمان و ستم حکام .

و فرما نروایان •

۲- از عمیره بنت نفیل روایت است که گفت از حضرت

حسن بن علی علیهما السلام شنیدم که میفرمود

این امر واقع نمیشود مگر اینکه از یکدیگر براءت

جوئید و از هم بیزار شوید، و همدیگر را مورد لعن قرار

دهید، و به روی هم آب دهان بیندازید، و شهادت به

کفر یکدیگر بدهید،

عرض کردم یا بن رسول الله هیچ خیری در آن نیست؟

فرمود همه خیر در آن است زیرا که در آن هنگام قائم

ما به اذن خدا قیام میکند و همه اینها را از بین میبرد.

۳- خروج سفیانی : در روایات بسیاری آمده

که او از شام خروج میکند و به عراق رفته شیعیانی را به

قتل میرساند •

۴- قیام سید حسنی که مردم را به حضرت ولی عصر

عجل الله تعالی فرجه الشریف دعوت میکند •

۵- گرانی قحطی زلزله های پیاپی قتل و غارت

شیوع کناه و فساد و . . .

لازم به تذکر است که قسمتی از علل یاد شده حتمی

است و بعضی دیگر غیر حتمی .

در خاتمه از ایزد منان صمیمانه و عاجزانه تقاضا داریم

که هر چه زودتر جهان تارک و ظلمانی را به ظهور

تابناک آن یگانه امید محرومان و پناه مظلومان و

منجسی مستضعفان جهان و مهدی دوران منور

گردانند .

این نا چیز اثر را که از برکت نظر انورش موفق به تالیف

و تدوین آن شدیم به پیشگاه حضرتش تقدیم میداریم

امید آنکه ما را مورد عنایات خاصه خود قرار دهد .

قزوین ۲۹ / ۷ / ۴۰۱ هـ

۱۳ / ۳ / ۶۰ ش

سید فاضل خرابی - سید محمد جواد هاشمی نسب

فـرـیـادِ رَس

امروز اُمیرُ الأُمرا جز تو کسی نیست
 بر نالهٔ دل غیر تو فریادِ رسی نیست
 در کعبه و بتخانه و در دیر و کلیسا
 جز نغمهٔ ناقوسِ تسویانگِ جرسی نیست
 دلگرمی ما زمرهٔ افسردهٔ دلان را
 جز آتشِ طورِ تو شهابِ قیسی نیست
 در بادیهٔ عشقِ تو پایِ فرسِ عقل
 بی گشت و در این بادیه دیگر فرسی نیست
 غمرازِ هوسِ دیدنِ رخسارِ چو ماه است
 اندر دلِ بر حسرتِ یارانِ هوسی نیست
 ای مهدیِ دینِ بردهٔ ز رخسارِ پیرافکن
 ما گمشدگانیم و ره پیشین و پستی نیست
 تو یوسفِ گمگشته و اسلامِ چو یعقوب
 بهر پدرِ پسرِ تو دیگر نفسی نیست

بهر پدرت پیر هنی یا که پیامی
 بفرست که جز این ز تو اش ملتجی نیست
 قربان تو و درد دلت کز فم اسلام
 جز اشک و مادام دگر تدا درسی نیست

اللَّهُمَّ وَصَلْ عَلَىٰ وَلِيِّ أَمْرِكَ الْفَائِزِ الْمُؤَمَّلِ وَالْعَدْلِ
 الْمُنْتَظَرِ وَحِفْهٖ بِمِلَاتُكُمَا لِمَقَرَّبَيْنَا وَأَيْدِيهِ بِدُرُوحِ
 الْقُدْسِ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ اجْعَلْ الدَّاعِيَ إِلَىٰ
 كِتَابِكَ وَالْقَائِمَ بِدِينِكَ اسْتَخْلِفَهُ فِي الْأَرْضِ كَمَا
 اسْتَخْلَفْتَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِ مَكَّنْ لَهُ دِينَهُ الذَّعْبُكُ
 أَرْتَضِيَتْ لَهُ أَيْدِيهِ مِنْ بَعْدِ خَوْفِ أَمْنًا يَعْبُدُكَ
 لَا يُشْرِكُ بِكَ شَيْئًا اللَّهُمَّ أَعِزَّهُ وَأَعِزِّزْ بِهِ وَأَنْصُرْ
 وَأَنْصُرْ بِرَأْيِ أَنْصُرْ أَنْصُرْ بِرَأْيِ أَنْصُرْ بِرَأْيِ أَنْصُرْ
 بِرَأْيِ أَنْصُرْ بِرَأْيِ أَنْصُرْ بِرَأْيِ أَنْصُرْ بِرَأْيِ أَنْصُرْ

مؤلف

شیخ کلینی رحمه الله
 شیخ عیاسرقمی رحمه الله
 لطف الله صافی گلپایگانی
 آیه الله موسوی اصفهانی
 جواد فاضل

مدارك كتاب

قرآن مجید
 اصول کافی
 منتهی الآمال
 نوید امن و امان
 وظایف مردم در عصر غیبت
 معصوم چهاردهم

فهرست مطالب

<u>صفحه</u>	<u>محتویات</u>
۳	مقدمه ناشر
۷	همه منتظر اویند
۱۶	منسوبین ومدعیان مهدویت
۲۲	میلاذ قائم مهود
۲۹	خورشید در برده
۳۴	چرا غیبت ؟
۴۱	مسئولیتهای ما
۴۷	کسانیکه امام زمان را دیده اند
۵۳	نشانه های ظهور
۵۸	فریاد رس